

نقاشان اروپایی در ایران: دوره صفوی

* دکتر یعقوب آژند

تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۲/۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۳/۷/۴

چکیده:

ارتباط سیاسی - بازرگانی ایران با ممالک اروپایی در دوره صفوی به خصوص از دوره شاه عباس اول به بعد به ارتباط فرهنگی - هنری نیز انجامید و نقاشان اروپایی در کسوت بازرگان و تاجر از همان اوایل دوره صفوی به ایران آمدند و بعضی از آنها وارد خدمت دربار صفویان شدند. آنها در دربار فنون و تکنیک هنری خود را در دیوارنگاره‌های کاخ‌ها و تهیه تابلوهای مستقل به کار بستند و حتی این فنون و اصول را به بعضی از شاهان و شاهزادگان صفوی نیز یاد دادند. نقاشان دربار صفوی هم به فراگیری نقاشی اروپایی از آنها پرداختند. نتیجه و برآمد تمامی این فعالیت‌ها پدیداری سبکی به نام فرنگی‌سازی در نقاشی ایران بود. البته گفتنی است که در کنار این نقاشان، ورود تصاویر چاپی و گراورهای اروپایی و نیز تابلو نقاشی‌های رنگ روغن و مصالح نقاشی اروپایی در پیشبرد سبک فرنگی‌سازی تأثیری درخور داشت. در این مقاله با ارجاع به اطلاعات جسته و گریخته منابع، شماری از این نقاشان اروپایی فعال در دربار صفوی شناسایی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

یان وان هسلت، فیلیپس آنجل، لوکار، یان دوهارت.

- * این مقاله در قالب طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهشی دانشگاه تهران تحت عنوان «مکتب اصفهان: نوآوری‌ها و دستاوردها» نوشته شده است. بدین وسیله امتنان خود را از حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه ابراز می‌دارم.
- ** دانشیار گروه آموزشی ارتباط تصویری و عکاسی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

خلیج فارس برای خود پایگاه‌های تجاری برپا کنند و هندیان نیز در این سیاست تجاری به منافعی دست یافتند. این کار برای ایرانیان حقوق گمرکی و برای اروپاییان پیدا کردن بازارهای جدید از برای کالاهای ساخته شده خود در پی داشت. ورود اروپاییان به خلیج فارس، رقابت آنها را نیز در زمینه‌های تجاری و سیاسی شدت بخشید. ایران برای اینکه دست عثمانیان را از حقوق گمرکی ابریشم و ادویه کوتاه کند، راه جدید تجاری را از طریق شمال روسیه به اروپا گشود. ابریشم ایران و ادویه هند از قلمرو خاندان هابسبورگ و ممالک اسکاندیناوی به اروپا رسید. منسوجات و قالی‌های ایران هم از این راه وارد ممالک اروپایی می‌شد و از اروپا هم سلاح گرم، ساعت، ظروف چینی، پرده‌های ژاپنی، نقاشی‌های ایتالیایی و تصاویر چاپی و حتی بعضی از صیفی‌جات که برای ایران ناشناخته بود، به ایران صادر می‌گشت. شماری از اروپاییان در خدمت دربار صفوی بودند که بعضی از آنها به کار نقاشی می‌پرداختند. گفتنی است که با گسترش روابط سیاسی و بازرگانی با اروپا، نوعی تسامح و تساهل نیز در دولت ایران رشد پیدا کرد و جوامع ارمنی، گرجی و هندی در روستاها و شهرهای بزرگ ایران اقامت گزیدند و به امر تجارت پرداختند.

افق دید سرکردگان صفوی وسیع بود. اسماعیل (حک ۳۰-۹۰۶ هـ). نخستین شاه صفوی لقب پادشاه ایران را بر خود بست که مفهوم آن قلمرو جغرافیایی وسیعی از افغانستان امروزی تا فرات، از جیحون تا خلیج فارس را در شمول خود داشت. سلطنت دیر آهنگ تهماسب (حک ۹۸۴ - ۹۳۰ هـ). فرزند اسماعیل، با ایجاد سپاهی ثابت و تشکیلاتی منسجم و استوار، ایران را در شاهراه شکوه و شوکت انداخت و بنیادهای دولت جدید آن را پی افکند و نقش و سهم ایران را در مقابله با تجاوز امپراتوری‌های مهاجم تثبیت کرد. سلطنت عباس اول (حک ۱۰۳۸ - ۹۹۶ هـ). نابسامانی‌های داخلی و خارجی ناشی از عملکردهای نیروهای متخاصم قزلباش و عثمانی را فرو نشانند و یکپارچگی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی استواری پدیدار ساخت.

صفویان روابط دیپلماتیک خود را با اروپاییان گسترش دادند و بین آنها بارها سفیرانی رد و بدل شد. در این روابط هم مسایل بازرگانی و هم عوامل سیاسی مؤثر بود. ایران راه دریایی خاور دور را به روی اروپاییان گشود و موجب شد که عثمانیان فشار سیاسی خود را از ایران به دریای سرخ و اقیانوس هند تغییر دهند. ایران به هلندی‌ها و پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها اجازه داد تا در

۲- هنر اروپا و ایران

تاجران ونیزی به خرید و فروش تابلوهای اروپایی مشغول بود. پی‌یترو دل‌واله در سال ۱۰۲۷ هـ. در این خصوص می‌نویسد: «[شاه‌عباس] بعد از حجره هموطن ونیزی ما الساندراسکوندولی [A. scudendoli] توقف کرد که دومین حجره سمت راست داخل آن پر از تابلوهای نقاشی و آئینه و از این گونه تزیینات کشور ماست. شاه حجره‌دار ونیزی را مورد تفقد قرار داده و با سخنان محبت‌آمیز او را مفتخر نمود و تابلوهای حجره را به سفیر هندوستان نشان داد. تابلوهای موجود تصاویری از پادشاهان بود که در میدان ناون در رم می‌توان آنها را به بهای یک‌اگو خریداری کرد ولی در این جا هر یک از آنها به مبلغ ده سکه به فروش می‌رسد و با این حال خریدار تصور می‌کند ارزان است.» (۱۳۸۰، ۸۹۹/۱)

نکته دیگر ورود گراوور و یا تصاویر چاپی اروپایی به

از مسایل عمده هنر دوره صفوی میزان تأثیر هنر اروپا در آنست. اروپاییان در مقام سفیر، تاجر، ماجراجو و مشاور و مسیونر مذهبی وارد ایران می‌شدند و در دربار با شاهان و شاهزادگان ملاقات می‌کردند. نقش هیأت‌های بازرگانی کمپانی‌های هند شرقی انگلیس، هلند و فرانسه، در این قلمرو چشمگیرتر بود. این هیأت‌ها همراه خود هدایای گرانبهایی برای دربار ایران می‌آوردند که گاهی در میان این هدایا تابلو نقاشی‌های اروپایی نیز دیده می‌شد. فیگوئروا، سفیر اسپانیا در ایران، در سفرنامه خود می‌نویسد: «سفیر دو تابلو به هدایا افزود که هر یک تصویر زنی را با لباس و کلاه اسپانیایی نشان می‌دهد. یکی از این تابلوها تصویر دختر ارشد پادشاه اسپانیا و دیگری تصویر ملکه فرانسه بود» (۱۳۶۳، ۲۶۳). نکته جالب توجه اینکه در بازار قیصریه اصفهان یکی از



تصویر ۱- تجلی، اصفهان، حدود ۹۹۳-۹۸۸ هـ.
رقم صادقی بیک، آبرنگ، مجموعه خصوصی در اختیار
موزه هنری فاگ

ملکه‌های قرن شانزدهم لذت بردم.» (۱۳۶۰، ۱۱۶).
اولئاریوس سفیر هلستاین هنگام ورود به تالار عالی قاپو سه
تابلو بزرگ را مشاهده می‌کند که به سبک اروپایی کشیده شده
است (۱۳۶۴، ۵۵۰/۲). جملی کاری در وصف عالی قاپو
می‌نویسد: «در اطراف این ساختمان صورت‌هایی به شیوه
اروپا ترسیم شده است و در بعضی از آنها جوان زیبایی پیماله‌ای
در دست دارد» (۱۳۴۸، ۷۸). از اینها گذشته، در این دوره
علاوه بر تابلوها و تصاویر چاپی و به کارگیری نقاشان اروپایی،
شاهان صفوی اقدام به وارد کردن مصالح نقاشی اروپایی هم
کرده‌اند. مثلاً شاه صفی به سبب علاقه به نقاشی رنگ روغن
اروپایی در سال ۱۰۴۵ هـ. سفرایشی برای ارسال قلم‌مو و رنگ
روغن به هلند داد که گفته می‌شود مقدار آن برای هزار نفر نقاش
کافی بود» (نکا، ۱۳۴۱، ص ۱۰۱۰).

بعضی را عقیده بر اینست که تأثیر اروپا بیشتر در
موضوعات نقاشی بوده نه در سبک آنها، اما تأثیر اروپا را در
نقاشی دوره صفوی باید با مراجعه به تکنیک نقاشی بیان داشت
نه از راه موضوعات آنها و در این قلمرو باید بر طراحی جدید،
بهره‌گیری روزافزون از رنگمایه‌های طبیعی و کوشش رشد
نیافته و مقدماتی در الگوبندی‌ها تأکید ورزید. حتی هنرمندانی
چون محمد قاسم و محمدیوسف حسینی که بر پایه الگوهای
سنتی کار می‌کردند، با بهره‌یابی از الگوبندی فرم‌ها و سایه
روشن درجه‌ای از تأثیرات اروپایی را در آثارشان نشان داده‌اند.
ورود اروپاییان و هنرمندان آنها به ایران هنرهای تصویری ایران
را به خصوص در اواخر دوره صفوی دگرگون کرد و اسلوبی به
نام فرنگی‌سازی را پدیدار ساخت.

ایران بود. در دهه ۱۹۷۰ بالغ بر ۶۰۰ گراور و یا تصاویر
چاپی اروپایی منتشر شد که بعضی از آنها برداشت از آثار
گولتسیوس^۱ (H. Goltzius) از مکتب هارلم (Haarlem) و بعضی
نیز برداشت از روی آثار فیلیپ گال^۲ (ph. Galle) و یا کوب
دوگین دوم^۳ (Jacob De Gheyn II) و دیگران در دهه ۱۵۸۰ م
بود (Canby, 1997, 32-34). موضوع این تصاویر از مضامین
انجیلی گرفته تا کلاسیک و منظره‌پردازی و انواع جامه‌ها و
نشان‌ها را در بر می‌گرفت. (تصاویر ۱، ۲)

بعضی از سیاحان که مناظر و مریای ایران را وصف
کرده‌اند، اشاره‌ای هم به آثار نقاشی نقاشان اروپایی در ایران
کرده‌اند. تامس هربرت (Thomas Herbert) در سال ۱۰۴۶ هـ.
همراه سفیر انگلیس وارد ایران شد. او در سفرنامه خود دست
کم به دو نفر از نقاشان اروپایی اشاره می‌کند که در خدمت
دربار ایران بوده‌اند (به مطالب بعدی رجوع شود). از اینها
گذشته او با ناراضمندی تمام به تصاویر ونوس و پریاپوس
(Venus and Priapus) اشاره می‌کند که در خانه ارمنیان آنها را
دیده بود. (۱۶۷۷، ۱۵۸). کمپفر در صحبت از کاخ هشت
بهشت می‌نویسد: «تابلوی هنرمندان شهیر را در زیر
شیشه‌های ونیزی آویخته‌اند... از پرده نقاشی‌ها بیش از همه از
تصاویر یکی از شاهان قرن هفدهم و همچنین چند تن از



تصویر ۲- زنی با لباس فرنگی، اصفهان، ۱۰۱۷ هـ.
صاحب ناشناخته

۳- نقاشان اروپایی در ایران

در منابع به طور جسته و گریخته از حضور نقاشان اروپایی صحبت شده است. مثلاً فیگوئروا سفیر اسپانیا در صحبت از نقاشی دیواری یکی از عمارات حومه اصفهان در تاجر آباد می نویسد: «آنچه دستگیرمان شد اینکه نقاش تابلوها، ژول [Jules] نامی بوده است متولد یونان که در ایتالیا رشد کرده و هنر آموخته بود. این نقاش به دستور شاه در این تالار هنرنمایی کرده بود و هنگامی که سفیر بدین مکان رسید دیری نبود که نقاش موصوف در قزوین از دنیا رفته بود. به آسانی تشخیص داده می شد که آن کارها از یک اروپایی است زیرا گذشته از آنکه سبک کار ایتالیایی بود، لباس های زنان به شیوه زنان مسیحی معاصر یونان بود» (۱۳۶۳، ص ۲۳۵).

هنگام ورود فیگوئروا به شیراز، عمارتی را در اختیار او گذاشتند که از کاخ های شاه اسماعیل بود. در یکی از تالارهای این کاخ «تصویر چند زن به چشم می خورد که لباس های گشاد به سبک ایتالیایی بر تن دارند... و این نشانه ای است که ما را معتقد می کند و در حقیقت از کیفیت این تصاویر هم پیداست که تابلوها کار نقاشان ایتالیایی است و از قراین، این هنرمندان را ونیزیان نزد آن پادشاه بزرگ فرستاده اند» (همان، ص ۲۵-۱۳۴). از این اشارات پیداست که نقاشان اروپایی از همان ابتدای قدرت یابی صفویان در خدمت آنها بوده اند و دیوار نگاره های بعضی از کاخ های سلطنتی را اجرا می کرده اند. حضور این نقاشان در زمان شاه عباس اول فزونی گرفت.

تامس هربرت دست کم از دو تن نقاش اروپایی یاد می کند که یکی پرتقالی و اسیر شده در هرمز و دیگری جان (یان = John) یک نفر هلندی در خدمت شاه عباس بود. هربرت از صحنه ای صحبت می دارد که هنرمند پرتقالی از محاصره و تصرف هرمز به وسیله امامقلی خان و متحدان انگلیسی وی کشیده بود. او از ناتورالیسم نقاشی های دیواری جان هلندی در کاخ اشرف تمجید می کند ولی از موضوع آنها سخنی نمی گوید (۱۶۷۷، ۱۷۵، ۱۲۲، ۱۵۸).

پی یترو دولواله هنگام عزیمت به دربار شاه عباس اول، با خود یک نفر نقاش فلاماندی به ایران آورد. این نقاش در خلال سفر تصاویری از مناطق مختلف تهیه کرد. دولواله در ایران او را از سرخود وا کرد چون بزعم او فرد مؤدبی نبود و احترام لازم را به او معمول نمی داشت (۱۲۸۰، ۱۹۰/۱، ۵۵۰). او در جای دیگری از سفرنامه خود می نویسد که اگر شاه اثری از نقاش من ببیند، حتماً او را از دستم در می آورد (همان، ۴۸۲/۱). ویلم فلور (W. Floor) اسم این نقاش را

جیووانی (Giovanni) می داند که از ونیز همراه دولواله راهی شد و بعدها او را ترک گفت و با مستمری سالانه ۱۰۰۰ تسکینی (Zecchini) به خدمت شاه عباس اول درآمد (۱۹۸۹، ۱۴۶).

فلور این نقاش را همان یان وان هسلت (Jan Van Hasselt) هلندی می داند. ویلم فلور اخیراً در مقاله ای که از روی اسناد و مدارک کمپانی هند شرقی هلندی ها در ایران تنظیم و تألیف کرده، سعی نموده هویت نقاشان هلندی را در ایران بازشناسی کند. فلور معتقد است که اطلاعات دولواله و وان هسلت با یکدیگر همخوانی دارد و وی باید همان نقاش دولواله باشد چون هسلت در نامه ای به فرماندار ندرلند می نویسد که «پس از گذراندن چند سال در ایتالیا، قسطنطنیه، مصر، اورشلیم، حلب، بابل و سایر مناطق سرانجام به دربار شاه ایران رسیدم» (Ibid, 146). حضور هسلت را در حلب گزارش هیوبرت ویسنیچ (Hubert Visnich) مدیر کمپانی هند شرقی هلند در ایران هم در خلال سال های ۲۷-۱۰۲۲ هـ. تأیید می کند. در گزارش کرملیت ها هم حضور یک نفر نقاش هلندی در دربار شاه عباس ذکر شده است. (Ibid) یان وان هسلت همان جان (یان) هلندی است که هربرت در سفر نامه اش از او یاد می کند و از دیوارنگاری او در کاخ اشرف مازندران صحبت می دارد. با اینکه وی مهارت و چیره دستی این نقاش را تحسین می کند، ولی این نقاشی ها برای دولواله سفیر ایتالیا چندان دلنشین نبود و به زعم او «نقاش ها نه چیزی سرشان می شود و نه مهارتی در کار خود دارند» (۱۳۸۰، ۶۸۳/۱). بهر تقدیر هسلت در دربار ایران و نزد شاه عباس اول اعتباری درخور یافت تا جایی که وقتی شاه عباس اول سفیر خود موسی بیک را به هلند اعزام داشت هسلت را نیز همراه هیأت او فرستاد که در نهایت به اختلاف بین این دو تن انجامید. (Floor, 1989, 147). شاه عباس هسلت را بار دیگر در سال ۱۰۲۷ هـ. به هلند گسیل داشت و هنگامی که هسلت وارد هلند شد، شاه عباس اول درگذشت ولی شاه صفی جانشین او، هسلت را تأیید کرد و وی قراردادی بین ایران و هلند منعقد ساخت (Ibid).

دومین نقاش هلندی که در ایران کار می کرد یوست لمپن (Joost Lampen) بود. نام او در سال ۱۰۲۹ هـ. در اسناد و مدارک کمپانی هند شرقی هلند به عنوان نقاش آمده که در نزد یکی از ملازمان شاه یعنی ملایم بیک به نقاشی مشغول بوده است. (Ibid, 148-8).

شاه عباس دوم عاشق نقاشی بود. او از وجود نقاشان اروپایی برای فراگیری نقاشی بهره می برد. تاورنیه سیاح فرانسوی درباره او می نویسد: «از نقاشی بهره کافی داشت و کارهای نقاشی را به میل طالب بود و کارهایی که از اروپا آوردند خوشش می آید خصوصاً از کارهای فرانسه» (۱۲۳۶، ص



تصویر ۲- قربانی کردن حضرت ابراهیم، اثر محمدزمان، مکتب اصفهان

که رئیس تجارتخانه کمپانی هند شرقی هلند در اصفهان بود در ۴ ماه مه ۱۶۴۷ از مقامش برکنار شد و در ۴ ماه ژوئیه همان سال ایران را ترک گفت و دیگر برنگشت (Floor, 1989, 149). در بعضی از منابع نام لوکار به اشتباه [لوکاس] وارد شده است (پاکباز، ۱۳۷۸، ۵۷۹).

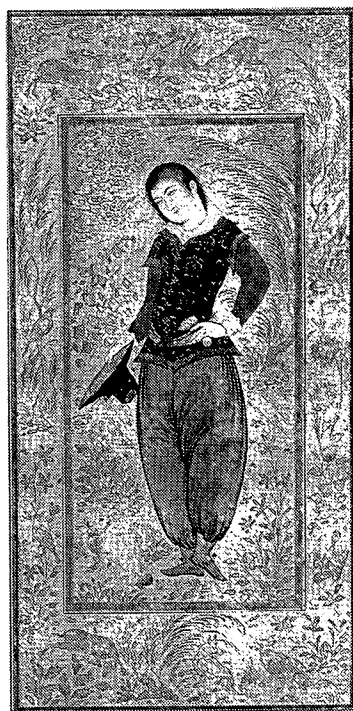
در اسناد کمپانی هند شرقی هلند نام چند تن دیگر از نقاشان آمده که در ایران کار می‌کرده‌اند از جمله اینها برندان زیخ (Barend Van Sichem) یوریان امبدیس (Ambdis Juriaen) رمیان (Romajin) یان دوهارت (Jan de Hart) و آدریان گودآ (Adrian Gouda) بودند (Floor, 1989, 148-56). حضور این نقاشان در دربار ایران چندین نتیجه داشت. پیش از هر چیز، این نقاشان تکنیک و فن نقاشی ناتورالیستی اروپا را در آثارشان به کار می‌گرفتند و نتیجه کار آنها تولید تصاویر زیبایی از فرنگیان زن و مرد بود که در لباس فرنگی نقاشی شده و گوشه‌هایی از عمارات شاهی را آذین بسته بود. (تصویر ۴) اما شاید مهم ترین نتیجه حضور این نقاشان اروپایی، الهام بخشیدن به شماری از نقاشان ایرانی باشد که با بهره‌گیری و فراگیری از فن نقاشان اروپایی به تولید آثاری پرداختند که امروزه بخشی از این آثار در مجموعه‌ها و موزه‌ها و مرقعات سرتاسر جهان پراکنده شده است. (تصاویر ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹) در حقیقت سبک و

(۵۰۷). او در جای دیگر سفرنامه خود می‌نویسد: «زیرا اعلیحضرت [شاه عباس ثانی] نقاشی را نزد دو نفر نقاش هلندی موسوم به آنژل و لکار به خوبی آموخته بود» (همان، ص ۴۹۱). درباره آنژل هلندی هم می‌نویسد: «من مکرر به آنجا [چهل منار^۵] می‌رفتم از جمله یک مرتبه در مصاحبت آنژل هلندی بود که از طرف کمپانی هند شرقی هلندی برای آموختن نقاشی به شاه عباس ثانی فرستاده شده بود. هشت روز در آنجا اقامت کردیم تا او صورت همه خرابه‌ها و آثار را کشید... آن نقاش هلندی می‌گفت که بی‌جهت وقت خود را تلف کردم و این آثار به زحمت نقاشی نمی‌ارزد» (همان، ص ۶۵۵).

فیلیپس وان آنجل (Philips Van Angel) جزو کارگزاران کمپانی هند شرقی هلند بود که در اوایل سال ۱۰۶۰ هـ. به همراه همسرش به ایران آمد. شاه عباس ثانی به سبب علاقه‌ای که به نقاشی داشت خواستار ورود آنجل به دربار خود شد. آنجل با اجازه رسمی کمپانی هند شرقی هلند یک کارگاه نقاشی در اصفهان راه انداخت. او در این کارگاه پنج تابلو برای اهدا به شاه کار کرد. پس از آن در اول ذی‌قعدة ۱۰۶۳ اصفهان را به قصد دیدار شاه در قزوین ترک گفت و در ۲۵ ماه محرم ۱۰۶۴ به اصفهان بازگشت (Floor, 1989, 152). شاه عباس ثانی او را مورد عنایت قرار داد و در ازای تابلوهایش ۱۵۰ تومان به اضافه خلعت به او بخشید. او از آنجل خواست تا تصاویری را در یکی از دیوارهای قصر و نیز در اقامتگاه قوللر آغاسی (سرکرده غلامان خاصه) بکشد. از نوشته تاورنیه پیداست که آنجل (با تلفظ فرانسوی آنژل) به شاه نقاشی از نوع فرنگی‌سازی را یاد می‌داده است. آنجل که بسیار شائق بود تا در ایران بماند ولی از طرف شرکت هند شرقی مجبور به ترک ایران شد. او هنگامی که به بندرعباس رسید با ارسال نامه‌ای به درباریان از جمله اعتماد الدوله (صدر اعظم) نقاشباشی دربار علی بیگ (به احتمال زیاد علیقلی جبه‌دار) و نیز حکیم‌باشی دربار، از آنها خواست تا با درخواست از شاه، او را در ایران نگهدارند. اما درباریان ظاهراً علاقه چندانی به ماندن او در دربار ایران نداشتند، از این رو کاری برای وی انجام ندادند و آنجل سرانجام در ۲۷ ذی‌قعدة ۱۰۶۵ ایران را ترک گفت و دیگر به ایران بازنگشت (Ibid, 154). از آثار آنجل یکی «قربانی کردن حضرت ابراهیم» است که محمد زمان تقلیدی از آن انجام داده است و دیگری طرحی از تخت جمشید که در سفرنامه تاورنیه، صص ۳-۶۵۲ آمده است. (تصویر ۳)

لوکار (Lokar) باید همان هندریک بودوین وان لوکهورست (Hendrick Boudewijn Van Lockhorst) نقاش هلندی باشد که در دربار ایران کار می‌کرده است. به نظر می‌رسد که وی در نقاشی زبردست بوده و شاه و درباریان از کار او راضی بوده‌اند. لوکار

اسلوب فرنگی‌سازی از این تأثیر و تأثر برخاست و نقاشانی چون علیقلی بیگ جبه‌دار، محمدزمان بن محمد یوسف، بهرام سفره‌کش و فرزندان اینها پی‌سپار این سبک و اسلوب هنری بودند. آثار نقاشانی چون رضا عباسی هم خالی از این تأثیرات نبود. از رضا دست‌کم دو نگاره تک‌برگی وجود دارد که با سبک سنتی نگارگری ایران جوان‌فرنگی را در جامه فرنگی با ساز و برگ خاص آنها، از جمله سگ و کلاه فرنگی، بازنمایی کرده است. (تصویر ۱۰) شاگردان رضا عباسی از جمله فرزندان او محمد شفیع عباسی، (تصویر ۱۱) معین مصور، محمد قاسم، محمدیوسف حسینی و غیره که در دربار شاه عباس و شاه سلیمان کار می‌کردند به دور از این تأثیرات فرنگی نبودند در این مقام رواست که از یک نقاش دیگر هم‌یادی شود که تأثیری درخورد در نقاشی دوره صفوی داشته است یعنی استاد میناس ارمنی. وی در حلب نزد یک نفر استاد اروپایی تعلیم نقاشی دید و پس از بازگشت به جلفای اصفهان، خانه‌های ارمنیان ثروتمند را با دیوارنگاری‌ها آذین‌بست. این دیوارنگاری‌ها دارای ترکیب بندی اروپایی از نوع هلندی بوده است (carswell, 1968, 25-29).



تصویر ۴- جوان اروپایی، مکتب اصفهان، احتمالاً کار معین مصور، مجموعه روچیلد، کتابخانه چسترییتی، دابلین (این نگاره به شاهنامه ذوالقعدة سال ۱۰۵۸ است)



تصویر ۷- بانویی فرنگی در جامه ایرانی، مکتب اصفهان، ۱۱۰۱-۱۰۹۱ ه.، رنگ روغن روی بوم، ۱۶۲/۵ × ۸۷/۴ سانتی‌متر



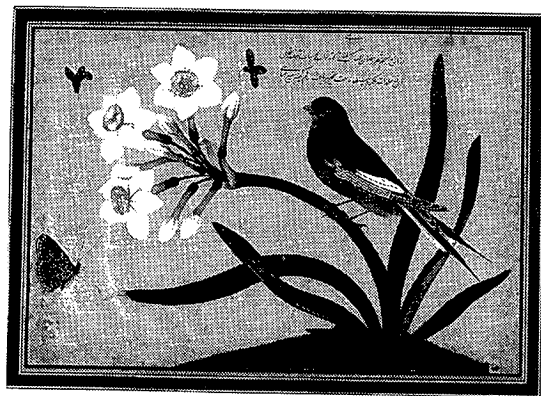
تصویر ۶- یکی از نجای فرنگی در جامه ایرانی، مکتب اصفهان، ۹۰-۱۰۶۰ ه.، رنگ روغن روی بوم، ۱۸۰ × ۱۱۰/۵ سانتی‌متر، (این جوان دستاری بر سر دارد که در زمان شاه عباس دوم در ایران رایج بود)



تصویر ۵- بانویی فرنگی در جامه ایرانی، مکتب اصفهان، ۹۰-۱۰۶۰ ه.، رنگ روغن روی بوم، ۱۸۰ × ۱۱۰/۵ سانتی‌متر، تهران، کاخ سعدآباد



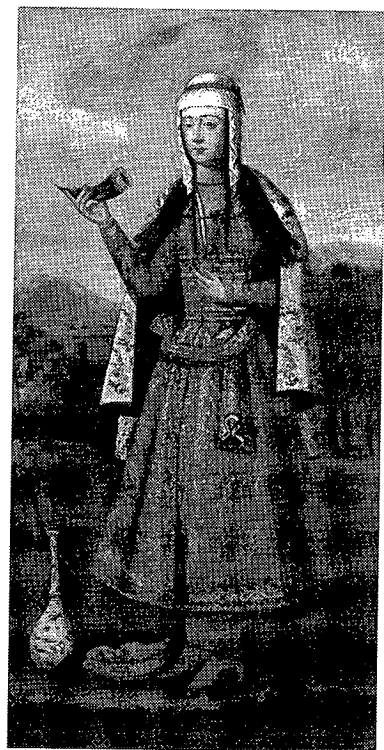
تصویر ۱۰- پیکره فرنگی، رضا عباسی



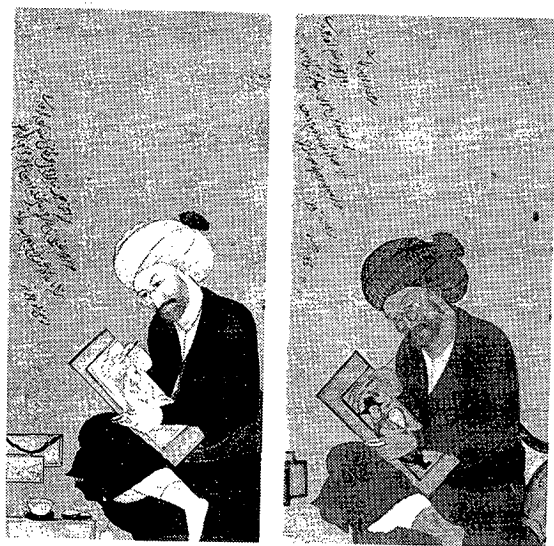
تصویر ۱۱- گل و مرغ از شفیع عباسی، اصفهان، ۱۰۶۲، پاریس، کتابخانه ملی



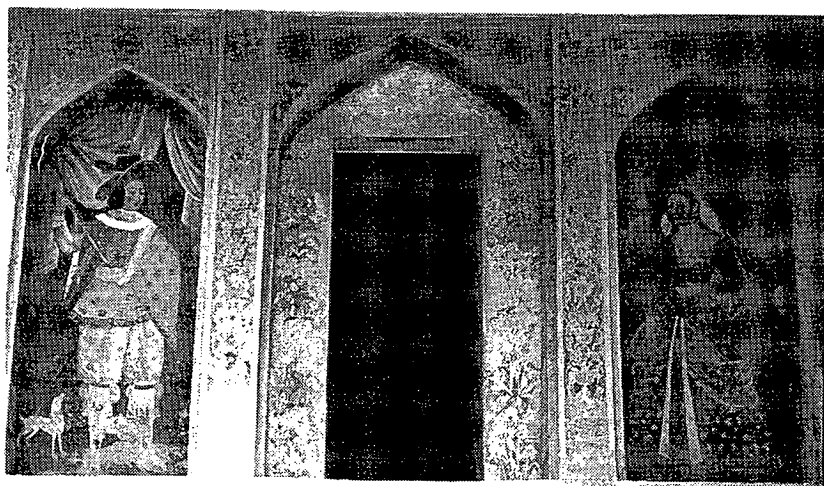
تصویر ۹- مرد فرنگی در لباس پیاده نظام، مکتب اصفهان، ۱۱۰۱-۱۰۹۱ ه.، رنگ روغن روی بوم، ۸۲/۵ × ۸۱۵/۵ سانتی متر



تصویر ۸- بانویی فرنگی در جامه ایرانی، مکتب اصفهان، ۱۱۰۱-۱۰۹۱ ه.، رنگ روغن روی بوم، ۸۲/۵ × ۱۵۵ سانتی متر



تصویر ۱۳- بزرگ نمایی، رضا عباسی در حال نقاشی، به امضای معین مصور، اصفهان، ۱۰۸۷ هجری، اندازه تصویر ۱۹ × ۱۱ سانتی متر، مجموعه ی گارت



تصویر ۱۲- کاخ چهلستون، هلالی های کاذب با تصاویر اروپاییان، اصفهان، ۷-۱۰۵۶ ه.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می توان به جمع بندی و نتایج زیر دست یافت.

۱- ورود هیأت های سیاسی و بازرگانی اروپاییان به ایران از اوایل دوره صفوی، بیشتر بنا به دلایل سیاسی و خوفی که توسعه امپراتوری عثمانی در اروپا پدید آورده بود، شتاب بیشتری پیدا کرد. باز شدن راه دریایی خلیج فارس و راه خشکی ایران به روسیه و از آنجا به اروپا بر حجم این تبادلات افزود. سه کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند و فرانسه که بعدها از پیشگامان استعمار در منطقه شدند، از این زمان به بعد با ایجاد تجارتخانه و مراکز بازرگانی و سیاسی در بنادر و شهرهای عمده ایران به خصوص اصفهان به مبادله کالاهای تجاری غرب و شرق پرداختند. در این تبادل کالا، انواع دستمایه های آنها از جمله تابلو نقاشی ها و مصالح نقاشی اروپایی (رنگ روغن و قلم مو و غیره) و تصاویر چاپ و گراورهای نیز مبادله می شد. افزون بر این، طرز زندگی و آداب و رفتار و کردار اروپاییان هم توجه ایرانیان را برمی انگیخت.

۲- هیأت های سیاسی و بازرگانی اروپا معمولاً در میان اعضای خود چند تن طراح و نقشه کش و نقاش هم داشتند تا دیدنی های نقاط مختلف ممالکی را که از آنها می گذشتند، نقاشی کنند. سبک و شیوه و تکنیک نقاشی این نقاشان نظر شاهان صفوی را به خود معطوف داشت، طوریکه از حضور آنها بهره گرفتند و بعضی از آنها را به استخدام دربار در آوردند. این نقاشان علاوه بر کار بر روی دیوارنگاره های کاخ ها، گاهی نقاشی اروپایی را هم به شاهان صفوی یاد می دادند. (تصویر ۱۲)

۳- در میان مطالب جسته و گریخته منابع درباره نقاشان فرنگی در ایران، ظاهراً نام نقاشان هلند، ایتالیا (بویژه ونیز) بیشتر ثبت شده است. از قرار معلوم، نقاشان هلندی بیشتر از دیگران فعالیت داشته اند. چند تن از آنها در دربار ایران منشأ تأثیراتی بوده اند. یان وان هسلت (جان = یان هلندی)، فیلیپس وان آنجل (آنزل)، هندریک بودوین وان لوکهورست (لوکار)، یوست لمپن، برندوان زیخم، یان دوهارت، یوربان امبدیس، رمیان، آدریان گودا، جملگی از اهالی هلند (یا

ندرلند یا فلاندر) بوده اند که همراه هیأت های سیاسی - تجاری کمپانی هند شرقی هلند وارد ایران شده اند و بعضی از آنها به استخدام دربار در آمده اند و در تزئین دیوارنگاره های کاخ های شیراز، اصفهان و اشرف مازندران فعالیت داشته اند. از یک نقاش دیگر نیز به نام ژول نام برده شده که دیوارنگاره های کاخی را در شیراز و اطراف اصفهان اجرا کرده و در قزوین هم در گذشته است.

۴- مهم ترین نتیجه و برآمد حضور نقاشان اروپایی در ایران، پدیداری سبکی به نام سبک فرنگی سازی در نقاشی ایران بود که صادقی بیک افشار در قانون الصور^۶ خود و قاضی احمد قمی در گلستان هنر^۷ خویش آن را یکی از انواع هفتگانه نقاشی ایران به شمار آورده اند. سبک فرنگی سازی به خصوص از نیمه دوم سده یازدهم سبک غالب نقاشی ایران شد. این سبک با کوتاه نمایی عمقی، حجم نمایی و سایه روشن کاری گر چه در دست نقاشانی چون محمد زمان و علیقلی بیک جبه دار به صورت پخته و پرورده به کار رفت ولی در دست نقاشان دیگر ماحصلی جز آثار بی ذوق و غیرجذاب و بدقواره نداشت. سبک فرنگی سازی بتدریج در بستر ذوق و سلیقه هنر ایران قرار گرفت و از نیمه دوم دوره قاجار سیر تکاملی خود را در نقاشی ایران طی کرد.

۵- ورود هنر اروپا و اروپاییان به ایران یک نتیجه دیگر نیز در نقاشی ایران داشت. حضور آنها به خصوص داد و ستد تابلو نقاشی و تصاویر چاپی اروپایی نظر بعضی از نگارگران ایران را برانگیخت تا نقشمایه های اروپایی را وارد نگاره های ایرانی بکنند. رضا عباسی هنرمند نام آور این دوره که از قرار معلوم از حضور نقاشان اروپایی و میناس^۸ نقاش ارمنی محله جلفای اصفهان بهره کافی از سبک فرنگی سازی یافته بود در بعضی از نگاره هایش چهره اروپاییان را با نقشمایه های سگ و جامه کلاه فرنگی بازنمایی کرده است. معین مصور شاگرد برجسته او در سال ۱۰۴۴ هـ. یک تکچهره از وی تهیه کرد که در آن رضا عباسی تکچهره یک نفر اروپایی را در دست گرفته است. (تصویر ۱۳) به هر تقدیر ورود موضوعات اروپایی و نقشمایه های آن، واژگان هنری نقاشی ایران را از سده یازدهم هجری به بعد دگرگون کرد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ هندریک گولتسیوس نقاش و چاپگر هلندی در سال‌های ۱۶۱۷-۱۵۵۸ م. بود و در هارلم کار می‌کرد. با سکه‌های او به نقاشی رنگ روغن شبیه بود. آثار او بیشتر موضوعات مذهبی را در بر می‌گرفت.
- ۲ گال (متولد ۱۵۲۷، درگذشته ۱۶۱۲) طراح، گراورساز، چاپگر. او در کارگاه هیرونیموس کاک در انتورپ تربیت شد و کاک در سال ۱۵۵۷ نخستین تصاویر چاپی گال را منتشر کرد. گال بیشتر به خرید و فروش تصاویر چاپی مشغول بود و این تصاویر شامل آثار خود او و نقاشان دیگر بود.
- ۳ هنرمند هلندی در سده پانزدهم - شانزدهم. وی طراح، چاپگر و گراورساز بود. موضوع کارهای او بیشتر مضامین مذهبی را شامل می‌شد.
- ۴ کرملیت‌ها یا کرملیان (Karmelit) فرقه‌ای از مسیحیان فقیر بودند که بر کوه کرمل فلسطین می‌زیستند. در سال ۱۲۲۸ به قبرس و از آنجا به اروپای غربی مهاجرت کردند. شاخه‌ای از آنها به نام کرمیلیان پا برهنه معروف هستند. گروهی از این فرقه در زمان صفویان در اصفهان می‌زیستند.
- ۵ منظور از چهل منار خرابه‌های تخت جمشید است که آنزل آن را طراحی کرده و در سفرنامه تاوورنیه آمده است.
- ۶ انواع نقاشی ایران در قانون الصور صادقی بیک افشار به قرار زیر است: اسلامی (اسلیمی)، ختایی، ابر، واق، نیلوفر، فرنگی، بندرومی.
- ۷ انواع نقاشی به صورت هفت اصل در گلستان هنر قاضی احمد قمی به قرار زیر است: اسلامی (اسلیمی)، ختایی، فرنگی، فصالی، ابر، واق، گره (قاضی احمد قمی، ۱۳۶۶، صص ۱۳۲، ۱۵۷)
- ۸ میناس استاد نقاشان جلفا بر شمرده می‌شد. او نقاشی را در حلب از یک استاد اروپایی فرا گرفت و پس از بازگشت به جلفا خانه‌های اشراف ارمنی را با دیوارنگاره‌ها آراست. ظاهراً موضوع عاشقانه بعضی از این دیوارنگاره‌ها باب طبع هربرت نبوده و از آنها انتقاد کرده است. میناس یک تک‌چهره از سفیر روسیه، به دستور شاه صفی کشید و به دریافت مستمری سالانه مفتخر گردید.

فهرست منابع:

- اولناریوس، آدام (۱۳۶۴) "سفرنامه"، ترجمه مهندس حسین کردبچه، تهران.
 پاکباز، روئین (۱۳۷۸) "دائرةالمعارف هنر"، تهران، فرهنگ معاصر.
 دولواله، پی‌یترو (۱۳۸۰) "سفرنامه"، ترجمه محمود بهفروزی، ج ۱، تهران، قطره.
 تاوورنیه (۱۳۳۶) "سفرنامه"، ترجمه ابوتراب نوری با تجدید نظر کلی از حمید شروانی، تهران، سنایی.
 جملی کاری (۱۳۴۸) "سفرنامه"، ترجمه عبدالعلی کارنگ، تبریز.
 ذکا، یحیی، [محمد زمان] (۱۳۴۱) "سخن"، شماره ۹ و ۱۰، ص ۱۰۱۰.
 فیگوئروا، سیلوا (۱۳۶۳) "سفرنامه"، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
 قاضی احمد قمی (۱۳۶۶) "گلستان هنر"، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری.
 کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰) "سفرنامه"، ترجمه کیکاوس جهاندار، تهران، خوارزمی.

Canby, Sheila R., 1997, "The Rebelious Reformer", London.

Floor, w., 1989, "Dutch Painters in Iran during the First half of the 17th Century", Persica, 8 (1989), 198 ff.

Herbert, Thomas, 1677, "Some years Travels in to Divers Parts of Asia and Africa", yed. London.

Carswell, 1968, "New Julfa", Oxford.

